



جهان اسلام، تهدیدها و فرصت ها

پدیدآورنده (ها) : غلامی، رضا

میان رشته ای :: نشریه زمانه :: سال پنجم، شهریور ۱۳۸۵ - شماره ۴۸

صفحات : از ۷۴ تا ۷۸

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/81568>

دانلود شده توسط : محسن جوادی

تاریخ دانلود : ۱۴۰۱/۱۰/۱۰

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- سرزمین های جهان اسلام: بوسنی و هرزگوین (تهدیدها و فرصت ها)
- تبریز «پایتخت گردشگری جهان اسلام»: پیشینه، فرصت ها و ضرورت ها
- انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام: چالش ها و فرصت ها
- راهبردهای استفاده از فرصت ها، کنترل و کاهش تهدیدهای سیاسی جهان اسلام از منظر آیت الله خامنه‌ای
- جهان اسلام: چالش ها و فرصت ها
- گزارش همایش بین المللی جهان اسلام: چالش ها و فرصت ها
- انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی جهان اسلام: چالش ها و فرصت ها
- جهانی شدن رسانه و تحقق امت واحده اسلامی (نگاهی به فرصت ها و تهدیدهای پیش روی جهان اسلام در فرایند جهانی شدن رسانه ها)
- اسلام و پیشگویی آینده؛ فرصت ها و تهدیدها
- چشم اندازی بر ژئوپولتیک جهان اسلام در بازی قدرت و رهبری جهانی؛ فرصت ها و ...

جهان اسلام، تهدیدها و فرصت‌ها

رضا غلامی*

تاریخ معاصر جهان اسلام تاکنون با فراز و نشیب‌های فراوانی روبرو بوده است، اما باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از این فراز و نشیب‌ها در ارتباط با مواجهه اسلام و غرب رخ داده است. این مواجهه، دارای دو بعد اساسی است: مواجهه نخست، به رویکرد اسلام به مدرنیسم و جهان بینی سکولار حاکم بر آن، و مواجهه دوم، به مقابله مسلمانان و کشورهای اسلامی به توطئه‌ها و سلطه گریهای غرب علیه جهان اسلام اختصاص داشته است. گرچه مواجهه مسلمانان با مدرنیسم با تردیدهایی همراه بوده است لیکن مسلمانان در غالب چالش‌های خود با قدرت‌های سلطه گر غربی از موفقیت‌های چشم گیری برخوردار شده‌اند. این موفقیت‌ها عمدتاً به دلیل عمق باورهای دینی و پویایی اندیشه اسلامی است که تسلیم در برابر ظلم و زور را بر نمی‌تابد، اما همه اینها باید با درک این واقعیت توأم باشد که جهان اسلام از نقاط ضعف فراوانی نیز رنج می‌برد که عدم رسیدگی صحیح و به موقع به آن، مواجهه جهان اسلام با غرب را در دو بعد فوق بانگرانی‌هایی روبرو می‌سازد. این مقاله درصدد ارائه گزارشی از موقعیت کنونی جهان اسلام و تهدیدها و فرصت‌هایی موجود یا پیش روی آن است که نظر خوانندگان گرامی زمامه را به آن جلب می‌کنیم.

■ ■ ■

«جهان اسلام». به مجموعه نقاط مشترک در عرصه اندیشه و فرهنگ منبث از اسلام، و یا به اشخاص حقیقی و حقوقی، یعنی ملتها و دولتهای مسلمان، و گاه نیز به اماکن و امکانات متعلق به مسلمانان (شامل اماکن مقدس و یا غیرمقدس و نیز جغرافیا و حوزه نفوذ که بخش عمده‌ای از هویت اسلامی را تشکیل می‌دهد) اطلاق می‌شود. از این رو باید گفت، منظور از جهان اسلام لزوماً جغرافیای خاصی نیست، اما همچون همه ادیان الهی، جغرافیا در فرهنگ اسلامی نیز از نقشی هویت ساز و حائز اهمیت برخوردار است؛

به عنوان مثال مکه مکرمه و مدینه منوره یا بیت المقدس، برای مسلمانان سرزمینهای مقدس و محبوب محسوب می‌شوند و بخش مهمی از شعائر اسلامی صرفاً در این مکانها قابلیت ظهور می‌یابد؛ لذا این اماکن در قلمرو جغرافیای جهان اسلام قرار می‌گیرند و از هویت اسلامی جداناپذیرند. علاوه بر این مسلمانانی که در قلب اروپا و آمریکا و یا سایر نقاط جهان حضور دارند و نیز مجموعه امکانات مادی و معنوی متعلق و مربوط به آنان، جملگی در قلمرو جهان اسلام قرار می‌گیرند.

ناهمگونی‌ها و مساله وحدت

باید قبول کرد که جهان اسلام، به ویژه از جهت فکری، یکدست نیست و این ناهمگونی، صرفاً از وجود فرق متعدد ناشی نمی‌شود بلکه عوامل متعدد دیگری نظیر محدودیتهای معرفتی، پیشینه تاریخی، زبان، نژاد، آداب و رسوم، جغرافیا و... نیز در این زمینه موثرند. حال، این سوال مطرح می‌شود که آیا با وجود این ناهمگونی، ایجاد وحدت میسر است؟ آیا برای دستیابی به وحدت باید این تکررات را از میان برد؟ تعریف ما از وحدت چیست؟ آیا در صورت اتخاذ یک دیدگاه پلورالیستی نیز وحدت اسلامی همچنان معنادار خواهد بود؟

وحدت اسلامی

وحدت اسلامی، بر مبنای تعریف امام راحل - که طبعاً تعریف موردنظر جمهوری اسلامی است - نه مستلزم دست‌شستن فرق و مذاهب از عقایدشان، بلکه به معنی اتکای فرق اسلامی به مجموعه‌ای بسیار گسترده از تقاطعی است که همه مسلمانان به‌ویژه در اصول دین در آنها اشتراک نظر دارند و براساس این نقاط اشتراک است که باید حرکت هماهنگ و همدلانه مورد نیاز برای حفظ و توسعه اسلام در سراسر جهان و نیز اقدام برای حل مشکلات و معضلات پر شمار مسلمانان جهان را طراحی و اجرا نمود (بارزترین نمونه این مشکلات مساله فلسطین است که

هم‌اکنون ام‌المسائل جهان اسلام به‌شمار می‌رود). چنانکه گفته شد، وحدت به مفهوم کنار گذاشتن عقاید از سوی فرق یا مذاهب مختلف اسلامی نیست اما بی‌تردید بسیاری از مسائل که هم‌اکنون از سوی برخی گروه‌ها و مذاهب اسلامی اظهار و حتی اشاعه می‌شوند، نمی‌توانند جزء عقاید اسلامی محسوب گردند و چه‌بسا با اصول خود آن مذاهب نیز منطبق نباشند؛ ضمن آنکه بسیاری از مسائل در ذیل فروعات دینی قرار می‌گیرند و در راستای رفع تنش میان مسلمانان و با رویکردی مصلحت‌اندیشانه می‌توان از آنها صرف‌نظر کرد. درواقع مسلمانان، برخی مواقع، اصول را فدای فروع می‌کنند؛ حال آنکه نمی‌دانند چه بهای سنگینی در قبال آن می‌پردازند.^۱

پس به‌طور خلاصه باید گفت: منطق وحدت، مستلزم دو چیز است: ۱- اتکا به مشترکات انبوهی که مسلمانان، با هر طرز تفکر و منشی، از آنها برخوردارند ۲- پافشاری نکردن بر آن دسته از موضوعات کم‌اهمیت - و یا در این برهه زمانی، لااقل فاقد اولویت - که می‌توانند وحدت و همدلی میان مسلمانان را تضعیف کنند.

وحدت یا پلورالیسم دینی؟

در سالیهای اخیر، به‌ویژه از سوی غربگراها، پلورالیسم دینی به مثابه یک شعار عمدتاً سیاسی مطرح شده است و برخی آن را تنها راه دستیابی به زندگی مسالمت‌آمیز در داخل جامعه مسلمانان و فائق آمدن بر اختلافات فرقه‌ای می‌دانند؛^۲ حال آنکه گذشته از پاره‌ای مطامع سیاسی نهفته در پشت پرده ترویج این دیدگاه از سوی غرب باید گفت اولاً راههای منتهی به زندگی مسالمت‌آمیز و توسعه مدارا، آن قدر محدود و معدود نیستند که تن دادن به این نگرش را الزامی سازند؛ ثانیاً نگاه پلورالیستی که منکر حقانیت یک مسیر مشخص برای دستیابی به اهداف اسلامی است، به دلایلی خاص و بسیار مهم، در این زمینه کارساز نیست؛ چراکه: ۱- نگاه پلورالیسم دینی به دین، یک نگاه سکولار است؛ به عبارتی پلورالیسم از نتایج سکولاریسم است؛ زیرا اولاً اگر برای دین به یک نقش

اجتماعی و سیاسی فعال قائل باشیم. آنگاه امکان تحقق پلورالیسم که تنها بر ایمان و تجربه دینی تأکید می‌ورزد، محل تردید خواهد بود و ثلثاً تنها با اتخاذ یک نگاه درجه‌دوم به دین، می‌توان نوعی تسامح درباره متعلق ایمان را نیز نهادینه کرد.^۲ اندیشه پلورالیسم در بستر تاریخی متفاوتی ظهور کرده و متناسب با مقتضیات تاریخی مسیحیت رشد نموده است و از این رو، انطباق آن با اسلام بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

۳- پلورالیسم دینی به تمایزات حق و باطل در مسیر زندگی دینی اعتقاد ندارد؛ به عبارتی مطابق این ایده، پیروان تمامی ادیان و مذاهب، علیرغم تفاوت در مسیرهایشان، همگی به نقطه حق می‌رسند و همه در نهایت برحق هستند؛ درحالی‌که این طرز تفکر، با عقلانیت اسلامی در تضاد است.^۳

تحت تأثیر همین رویکرد، اخیراً طرز تفکر جدیدی تحت عنوان اسلام بلا مذاهب - عمدتاً در میان مسلمانان متأثر از فرهنگ و اندیشه غرب - رواج پیدا کرده است که باید آن را از پیامدهای بی‌توجهی به درگیریهای فرقه‌ای دانست.

هویت اسلامی و مولفه‌های آن

مبحث «هویت»، در نوع خود بسیار پیچیده و دشوار است. هویت بر اساس طبیعت زندگی مدنی، عمل تمایز و شناسایی ملت‌ها و امتهای یکدیگر است و به‌شکلی پایدار، با زندگی هر کدام از این ملت‌ها و امتهای پیوند خورده است. حال باید دید عوامل اصلی هویت‌بخش کدام‌اند و مسلمانان با چه مشخصه‌هایی از پیروان سایر ادیان و یا از لامذهب‌ها تفکیک می‌شوند. البته این مشخصه‌ها ضرورتاً باید عمومی یا به‌عبارتی در میان همه مسلمانان مشترک باشند؛ لذا عنصری مانند نژاد، زبان و آداب و رسوم محلی که در مبحث هویت ملی بسیار حائز اهمیت هستند، در مقوله هویت اسلامی از اصالت برخوردار نیستند. براین اساس، باید گفت: عمدتاً اندیشه و فرهنگ منبعث از قرآن و سنت و نیز نتایج تعهد به این دو منبع در رفتار مسلمانان و نیز علایق و پیامدهای طبیعی ملهم از تاریخ اسلام، هویت اسلامی را تشکیل می‌دهند. از این رو، برای شناخت هویت اسلامی، طبیعتاً لازم است ابتدا درباره آموزه‌های اسلامی و تاریخ اسلام شناخت کافی پدید آید. باین وجود، همانطور که اشاره شد، طرز تفکر و رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان که در ظاهر و باطن فرد و جامعه اسلامی تأثیرگذار است، یک مسلمان را از سایر پیروان ادیان یا لامذهب‌ها متمایز می‌کند. برای مثال در جمعی که پیروان ادیان مختلف حضور دارند، دو مسلمان می‌توانند یکدیگر را پیدا کنند؛ چنانکه تشخیص مسلمان بودن افراد این جمع برای پیروان سایر ادیان دیگر نیز دشوار نیست. اما باید توجه داشت آنگاه که این تفاوت‌ها به حداقل برسد و یا تمایز افراد مسلمان از سایر پیروان ادیان دشوار شود، قطعاً باید گفت هویت اسلامی دچار آسیب شده است.^۴

گزارش از جهان اسلام

متأسفانه گزارشی که در اینجا از جهان اسلام ارائه خواهد شد، کم‌وبیش غمناک است. درواقع گرچه نهضت امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، موقعیت جهان اسلام را

تأحدقابل توجهی ارتقا داد، چنانکه طرح اساسی موضوع بیداری اسلامی در جهان اسلام را بی‌تردید باید ثمره انقلاب اسلامی دانست، باین‌همه در قیاس با تحولات گسترده جهانی و اتفاقات ربع قرن اخیر، جهان اسلام را باید همچنان از جهات مختلف عقب‌مانده تلقی کرد:

۱- از جهت فکری و فرهنگی، جهان اسلام در چند دهه اخیر به‌طور گسترده از سوی اندیشه و فرهنگ غرب مورد تهاجم واقع شده و این تهاجم درحال حاضر به مدد تکنولوژی مدرن، ابعاد گسترده‌تری یافته است. سکولاریسم در این تهاجم نقشی کلیدی دارد. هم‌اکنون دشمنان سکولار اسلام تمامی فعالیت‌هایشان را معطوف کرده‌اند تا نقش اجتماعی و سیاسی اسلام متمرکز را خنثی کنند. این در حالی است که بسیاری از نخبگان جهان اسلام، مرعوب غرب هستند و یا از توان نوآوری و رقابت با اندیشه و فرهنگ مهاجم بی‌بهره‌اند.^۵ که بسیاری از دولتهای کشورهای مسلمان نیز علاوه بر قرار گرفتن تحت توصیف مذکور، از نالایقی و آلودگی به فساد رنج می‌برند. از سوی دیگر تفکرات متحجرانه و افراطی - مانند سلفی‌گری - با سوءاستفاده از ضعف دستگاه فرهنگی برخی کشورهای اسلامی پیشرو و نیز با سوءاستفاده از ضعف معرفتی بخشی از مسلمانان، هم‌اینک به عامل سرافکندگی و انفعال جهان اسلام تبدیل شده‌اند.

البته استمرار بسیاری از تشنه‌های فرقه‌ای و مذهبی به‌ویژه در منطقه شبه‌قاره‌ای که جرقه آن‌ها معمولاً توسط دشمنان زده می‌شود و از سوی عناصر جاهل دنبال می‌گردد، نیز باید بر این مسائل افزود.

۲- از جهت اقتصادی، جهان اسلام مدتهاست که با فقر دست و پنجه نرم می‌کند. در سده‌های اخیر کشورهای اسلامی آشکارا به میدان تاخت و تاز کمپانیهای غربی تبدیل شدند. آنها چاههای مملو از نفت خاورمیانه را غارت کردند و اجازه ندادند این منابع در مسیر رشد اقتصاد جهان اسلام قرار گیرند. علاوه بر این، بخش عمده‌ای از جهان اسلام، برای نظام سرمایه‌داری غرب، صرفاً یک طعمه و یک بازار لوکس به حساب می‌آید.

این مسائل باعث شده است جهان اسلام صرفاً ته‌مانده‌ای از تکنولوژی مدرن را در اختیار داشته باشد و در حد مصرف‌کننده صرف محصولات غرب، تنزل پیدا کند. امروزه حتی در فقیرترین کشورهای اسلامی می‌توان بازارهای مدرن زنجیره‌ای یا برجهای سربلک کشیده را مشاهده کرد اما در پشت پرده این ظاهر آراسته، واقعیتی دیگر نهفته است. فروشگاههای مملو از اجناس لوکس، صرفاً جیبهای مسلمانان را هدف گرفته‌اند و برجهای سربلک کشیده صرفاً برای استقرار شرکتهای غربی و نشان دادن عظمت غربگرایی این کشورها ساخته می‌شوند. در ورای این ظاهر آراسته، فقر و فاصله طبقاتی در لایه زیرین اکثر جوامع اسلامی وجود دارد و از این رو باید گفت در حوزه اقتصادی، اغلب کشورهای اسلامی عملاً تماشاگرند نه بازیگر؛ به عبارت دیگر این کشورها تنها زمین خود را برای بازی غربی‌ها مهیا کرده‌اند؛ چراکه اساساً در سطح بازیگر نیستند تا بتوانند بازی کنند.

۳- از جهت سیاسی، جهان اسلام جنگ‌زده است.

فلسطین از مصائب کهنه جهان اسلام است که به‌خاطر فساد حاکم بر دولتهای کشورهای مسلمان و باج‌دانه‌های مداوم این دولتها به اسرائیل، همچنان لاینحل مانده و ظاهراً فقط باید به جنبشهای مردمی امید داشت؛ ضمن آنکه با وجود موفقیت شکوهمند حماس در انتخابات شوراها و نیز مجلس که به در اختیار گرفتن دولت فلسطینی نیز منجر شد، نه‌تنها هنوز از رنج این ملت کاسته نشده بلکه مرحله تازه‌ای از دشمنی و شقاوت علیه ملت فلسطین و حتی بالتبع آن شیعیان لبنان آغاز گردیده است.

در کنار فلسطین، در چند دهه اخیر باید از لبنان، یوسنی، آلبانی، کشمیر، چین، افغانستان و عراق یاد کرد که هر یک - به‌ویژه عراق در وضعیت فعلی - زخمی بر پیکر جهان اسلام به‌شمار می‌روند.

پروژه یازدهم سپتامبر که تاکنون حمله به افغانستان و عراق را در پی داشته است، پروژه بزرگ و ادامه‌داری است که همه جهان را در سطحی عمیق وارد بازی جدیدی کرده است. کشتار مسلمانان به نام مبارزه با تروریسم و ترور شخصیت آنها به‌ویژه در اروپا و آمریکا با هدف منزوی کردن مسلمانان و نیز تهدید ایران به بهانه دستیابی به تکنولوژی هسته‌ای، معضلاتی هستند که به‌گونه‌ای هماهنگ و برنامه‌ریزی شده از جانب دشمنان اسلام به اجرا درآمده‌اند. همچنین بمب‌گذاریهای زنجیره‌ای و مستمسک قراردادن آن برای حمله به مسلمانان، مشکلات درونی دامنگیر بسیاری از کشورهای مسلمان (مانند سودان)، طرح مساله جزایر سه گانه ایران در خلیج فارس از سوی اعراب، اختلال در روابط سوریه و لبنان و بسیاری مسائل ریز و درشت دیگر، از جمله مواردی هستند که هم‌اینک در چارچوب این پروژه مسلمانان را به خود مشغول نموده‌اند و نقش غرب، آمریکا و صهیونیسم در همگی آنها کاملاً آشکار و غیرقابل انکار است.

اتهام باور نکردنی!

حمایت از تروریسم، به‌عنوان یک اتهام بزرگ از سوی غرب به مسلمانان وارد می‌شود، حال آنکه صرف‌نظر از مخالفت روشن اسلام با هرگونه اقدام تروریستی، بی‌تردید بسیاری از وقایع مزبور از سوی غرب هدایت می‌شوند؛ کم‌آنکه حتی بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران غرب نیز معترفند که واقعه یازدهم سپتامبر اساساً توسط امثال بن لادن و گروه القاعده، قابل طراحی یا اجرا نبوده است؛ گذشته از آنکه این گروه اصلاً مولود سازمان جاسوسی آمریکا است.^۶ این قبیل کارهای تروریستی پیچیده، آن‌هم در قلب آمریکا که با مدرن‌ترین امکانات امنیتی حفاظت می‌شود، و یا بمب‌گذاری در انگلیس و... اغلب در حد و اندازه‌ای نیستند که به‌راحتی بتوان آنها را به گروهی نظیر القاعده ارتباط داد؛ ضمن آنکه چنین سازمانی از لحاظ ماهوی محل شک و تردید است و هنوز اساساً اطلاعات قطعی درخصوص کیفیت و کمیت این گروه وجود ندارد؛ علاوه بر این باید توجه داشت که هر نوع حرکت تروریستی با اصول اسلامی تطابق ندارد بلکه مسلمانان



۴- رشد گروههای متحجر و افراطی در جهان اسلام حیثیت و امنیت جهان اسلام را به خطر انداخته است. در واقع گرچه بخشی از امت اسلام در اثر انقلاب اسلامی، بیدار شده‌اند و برای قیام علیه وضعیت نامطلوبی که بر اثر سلطه‌گری‌های ظالمانه غرب در جهان ایجاد گردیده‌اند، آماده هستند، اما تاکنون برای مدیریت این ظرفیت، هیچگونه راهکار صحیحی ارائه نگردیده است و لذا بسیاری از این افراد جذب گروههای افراطی شده‌اند و این فرایند همچنان تداوم دارد. در حقیقت، باید گفت بخشی از حرکت ما در ایران، از یک دهه قبل تقریباً درون‌گرا شده و نتوانسته است بسیاری از مسلمانان عدالتخواه و پراکنده را به همراهی با خود امیدوار سازد. طبعاً در چنین شرایطی، بهترین عرصه برای خودنمایی گروههای افراطی، که عملکرد آنها جز به زبان اسلام و مسلمانان نیست، آماده می‌شود.

جهان اسلام و ظرفیتهای موجود

با اطمینان می‌توان گفت ظرفیتهای موجود در جهان اسلام، برای تحول و خروج از انفعال فراوان و کافی هستند: ۱- در حوزه فکری و فرهنگی، خزائن بسیار عمیق و پویایی در حوزه جهان اسلام وجود دارند که توجه روشمندان به آنها - همراه با افزایش اعتماد به نفس - می‌تواند علاوه بر ایجاد قدرت رقابت با فرهنگ و اندیشه مهاجم، زمینه‌ساز تحول قرار گیرد. باید متوجه باشیم که دین اسلام با مسیحیت موجود تفاوت بسیار دارد و لذا مسلمانان نباید سرنوشت خودشان را با مسیحیان قیاس کنند. پروتستانسیم اسلامی، صرفاً یک شعار پارادوکسیکال است؛ چرا که قرون وسطای اسلامی کجا است تا بخواهیم رنسانسی برای آن پیدا کنیم؟ بدون تردید اگر مسلمانان درگیر برخی تنگ‌نظریه‌ها، اختلافات درونی و حاکمان فاسد نشده بودند، هم‌اکنون در حوزه علم و تکنولوژی پیشتان بودند و علم و تکنولوژی نیز این‌گونه تحت تأثیر جهان‌بینی غربی در راستای اهداف غیرانسانی به کار نمی‌رفت، بلکه متأثر از جهان‌بینی الهی، خدمت به بشریت و اصول و ارزشهای دینی و انسانی را در فرایند خود پی می‌گرفت.

بی‌تردید دارایی اصلی مسلمانان، فکر و فرهنگ عمیق و پویای اسلامی است و البته آن‌طور که شایسته است، از آن استفاده نمی‌شود. همان‌طور که اشاره شد، در نگاهی به تاریخ تمدن اسلامی، آشکار می‌گردد که اوج شکوفایی این تمدن، زمانی بود که فرهنگ و اندیشه اسلامی، اسیر تنگ‌نظریه‌ها و بدفهمی‌های مسلمانان نشده بود و در عین حال حاکمانی فهیم و دوراندیش مدیریت جامعه را بر عهده داشتند (منظور از حاکمان، لزوماً سلاطین و خلفا نیستند، بلکه به‌ویژه وزیران بزرگ تاریخ اسلام مطلع‌نظر هستند که بیش از همه در تکوین تمدن شکوهمند اسلامی تأثیرگذار بودند). اسلام یک دین محققانه است و ایمان بدون تحقیق، در این دین ارجحی ندارد. برخلاف مسیحیت، اسلام نه تنها از پیشرفت‌های علمی هراسی ندارد بلکه انسان را به تلاش در این مسیر تشویق می‌کند. از این رو بی‌تردید در مقایسه با تمام دارائیه‌ها یا قدرتهای مادی، باید اندیشه و فکر اسلامی را در سطحی بسیار فراتر نشان داد و آن را پرازشت‌ترین دارایی مسلمانان برشمرد.

تهدیدات متوجه جهان اسلام در حال حاضر را می‌توان چنین برشمرد:

۱- طرح خاورمیانه‌ای امریکا: این طرح، از عراق شروع شده و علیرغم زمین‌گیر کردن امریکا در باتلاق، ادامه آن در دیگر نقاط مانند سوریه، لبنان و ایران، متغی نیست؛ ضمن آنکه نفس حضور گسترده و نظامی امریکا در منطقه که علاوه بر نفت و سایر عناصر اقتصادی، تثبیت موقعیت امنیتی اسرائیل و ممانعت از گسترش اسلام سیاسی را نیز مدنظر دارد، به‌خودی‌خود یک تهدید عمده و اساسی به‌شمار می‌رود.

۲- تلاش رسانه‌ای غرب برای ارائه چهره‌ای موهن از اسلام و مسلمانان - که به‌ویژه پس از واقعه یازدهم سپتامبر و متهم شدن گروههای اسلامی به دست داشتن در آن، ابعاد بسیار وسیع‌تری یافته است - ممکن است خطراتی را متوجه مسلمانان سازد که به‌راحتی قابل جبران نباشد.

۳- پدیده جهانی شدن که در حال حاضر از نظر فرهنگی در حال رواج گسترده فرهنگ و تفکر غربی و کم‌رنگ و خنثی کردن فرهنگ و اندیشه اسلامی به‌ویژه در میان نسل جوان است و به لحاظ اقتصادی و سیاسی، تضعیف استقلال و حاکمیت کشورهای اسلامی را دنبال می‌کند، در نوع خود یک تهدید اساسی به‌شمار می‌رود. باید توجه داشت که پدیده جهانی شدن دارای دو بعد اصلی پروسه‌ای و پروژه‌ای است و نمی‌توان بدون تفکیک این پدیده به دو بعد مزبور، قضاوت واقع‌بینانه‌ای درباره آن داشت.^۸

فقط مجاز هستند برای دفاع از خود و در برابر خشونت دشمن دست به اسلحه ببرند. با این همه غرب دستگاههای تبلیغی جهان را در اختیار دارد و مسائل را برای مردم دنیا وارونه جلوه می‌دهد؛ چنانکه مسلمانان که خود قربانی تروریسم سازمان‌یافته غرب هستند، در پیشگاه افکار عمومی در جایگاه متهم ردیف اول قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر باید توجه داشت که اجیرنمودن یک عده مسلمان‌نما از سوی غرب برای مشارکت دادن آنها در حرکات تروریستی جهت مستندساختن ادعاها، کار دشواری نیست اما پرواضح است که حتی با وجود این احتمال، باز هم غرب نمی‌تواند اتهامی را که به تفکر اسلامی و مجموعه مسلمانان می‌زند، اثبات کند.

توهین به مقدسات اسلامی

توهین به مقدسات دینی، آخرین راهی است که از سر عجز توسط شبکه صهیونیسم به غربی‌ها تحمیل می‌شود؛ چنانکه نظیر آن را در ماجرای سلمان رشدی و در سایر موارد، به‌ویژه در اقدام موهن اخیر مطبوعات غربی مشاهده نموده‌ایم. این رویه که البته هربار با عکس‌العمل گسترده مسلمانان در اقصی نقاط جهان عملاً به ضرر بانیان آن تمام شده، ادامه‌دار است و می‌تواند در آینده پرده‌های دیگری نیز داشته باشد.

جهان اسلام و تهدیدهای پیش رو

۲. در زمینه اقتصادی نیز باید گفت: جهان اسلام علیرغم غارت‌های فراوان، همچنان بالقوه ثروتمند به‌شمار می‌رود؛ چنانکه برخورداری از جمعیت و نیروی انسانی جوان، موقعیتهای جغرافیایی متنوع و استراتژیک، و نیز قرارگرفتن بخش عمده منابع طبیعی (مانند نفت، گاز و...) در قلمرو جغرافیایی اسلام، تنها گوشه‌ای از این ظرفیت به‌حساب می‌آیند.

۳. از جهت سیاسی، رشد سیاسی فزاینده جوامع مسلمان، وجود بستر مساعد برای شکل‌گیری و توسعه جنبشهای فراگیر اسلامی، جمعیت روبه‌رشد مسلمانان در اروپا و آمریکا و نیز برخی مزبتهای اقتصادی که در حال حاضر با توان سیاسی گره خورده‌اند، از جمله مصادیق مهم در عرصه توانایی سیاسی جهان اسلام به‌شمار می‌آیند.

غرب و جهان اسلام

غرب از دیدگاه جهان اسلام یکسره سیاه نیست. درواقع باید گفت، نگاه سیاه و سفید درباره پدیده‌ها، نه تنها درباره غرب، بلکه در تمامی زمینه‌ها مورد تأیید اسلام نیست. به‌هرحال غرب در چند سده اخیر و در حال حاضر کلون مزج و رشد علم و تکنولوژی بوده و از این جهت طبعا برای مسلمانان قابل بهره‌برداری است؛ ضمن آنکه تمامی غریبه‌ها را نمی‌توان یکسان مورد قضاوت قرار داد؛ کما آنکه هم‌اکنون در بخشهایی از اروپا و آمریکا، اخلاق و معنویت جایگاه ارزنده‌ای دارد و کمالات انسانی فارغ از نگاه سکولار به جهان، مورد توجه قرار می‌گیرد. در حقیقت مسأله اصلی جهان اسلام با غرب را در چهار مورد می‌توان خلاصه کرد:

۱. خوی استکباری و استعماری منبعت از جهان بینی سکولار در دولتهای غربی نهادینه شده و این مسأله، امکان تعامل حقیقی میان مسلمانان و غرب را بسیار دشوار نموده است. از این رو گفت‌وگو با غریبه‌ها تاکنون سرانجام خوبی نداشته است؛ چراکه آنها به‌نوعی از مسلمانان انتظار دارند که فقط شنونده باشند.

۲. مسیر نظام لیبرال - سرمایه‌داری غرب، با مسیر نظام اسلامی ماهیتا متفاوت و جدا است و هیچ قرابتی میان مبانی فکری این دو حوزه وجود ندارد.

۳. پیشینه تاریخی مسلمانان و غرب، چه در گذشته (به‌ویژه تحت تأثیر جنگهای صلیبی) و چه در دوران معاصر (به‌ویژه تحت تأثیر استعمار و اخیرا صهیونیسم)، متأسفانه سیاه است؛ چنانکه در ارتباطات فی‌مابین نمی‌توان به‌راحتی از یاد و خاطره این پیشینه و تداوم تأثیرات آن صرف‌نظر کرد.

۴. در حال حاضر غرب به اقتضای ماهیت سیستم اقتصادی خود، با سوءاستفاده از تکنولوژی مدرن آشکارا فساد و فحشا را به اقصی نقاط جهان و از جمله به کشورهای اسلامی صادر می‌کند و این موضوع شدیداً مسلمانان را رنج می‌دهد؛ چنانکه بخش عمده‌ای از معضلات دامنگیر کشورهای اسلامی در زمینه‌های جرم و جنایت، مواد مخدر، مشروبات الکلی، فساد جنسی و بی‌بندوباری، محصول این تهاجم فرهنگی غرب شناخته می‌شود. با این وضعیت، طبیعی است ارتباط جهان اسلام با غرب، بسیار شکننده و بی‌ثبات خواهد بود.

خواب سیاسی

سوال: در شرایطی که نهضت بیداری اسلامی رخ داده است، چرا مسلمانان همچنان سلطه حکومت‌های مستبد و غیراسلامی را تحمل می‌کنند؟ پاسخ: بیداری اسلامی هنوز به‌طور کامل محقق نشده و این مسأله، از موقعیت خواص در برخی جوامع اسلامی نشأت می‌گیرد؛ ضمن آنکه باید توجه داشت ایجاد تحول در ساختار قدرت، پدیده‌ای نیست که به‌سادگی و یک‌شبه قابل انجام باشد؛ کما آنکه در ایران با وجود رهبری بی‌نظیر امام، وجود عقاید اصلاح‌گرانه شیعی و نیز تجارب تاریخی متعدد (مشروطه و...)، حدوداً بیست سال توأم با رنج و مصیبت طول کشید تا حکومت فاسد پهلوی ساقط شد؛ ضمن آنکه اساساً توصیه نسخه ایرانی برای تمامی کشورهای اسلامی، صحیح نیست؛ چراکه در برخی کشورهای اسلامی، هم‌اکنون ساختار سیاسی موجود، به‌گونه‌ای است که افراد صالح قادرند به دولت راه یابند؛ یعنی مسلمانان این کشورها می‌توانند در صورت تمایل اداره کشورشان را به دست عناصر متدین و دلسوز بسپارند، اما این انگیزش، نیازمند کیاست و برنامه‌ریزی گروهی است. باید توجه داشت که ایجاد هر نوع تحول در کشورهای اسلامی مشروط به برخورداری مسلمانان از قدرت فکری و مدیریتی است.

الگوی مردم‌سالاری دینی

دموکراسی، در کل خاستگاه یا جهان‌بینی غیردینی دارد و به تبع خود، سکولاریسم و لیبرالیسم را نیز به‌همراه می‌آورد. درواقع از این رو است که در کشورهای اروپایی و یا در ترکیه (که علیرغم برخورداری از اکثریت مسلمان، آرزوی اروپایی‌شدن را در سر می‌پروراند) به‌خطر احتمال در مخاطره قرارگرفتن سکولاریسم، در برابر آزادی حجاب با رفتاری که دون شلن یک نظام سیاسی جاف‌انداخته است، مقاومت می‌شود. باین همه، باید گفت در شرایط فعلی حتی همین دموکراسی ناقص نیز چنانچه در برخی کشورهای مسلمان گرفتار دیکتاتوری تحقق یابد و عناصر دلسوز اجازه یابند در عرصه اجتماعی به فعالیت بپردازند، در حد خود مناسب خواهد بود. اما مدل مترقی معرفی‌شده از سوی انقلاب اسلامی، یعنی مردم‌سالاری دینی، در حال حاضر بهترین الگو برای انطباق یک دولت با جهان‌بینی اسلامی است.

خروج از بحران

برای خروج جهان اسلام از بحران موجود، تنها به چند راه‌حل کلیدی اشاره می‌شود:

۱- جهان اسلام نیازمند توسعه وحدت و همدلی است و این وحدت نباید فقط یک امر سیاسی و بین‌دولی ملاحظه شود، بلکه با توجه به شرایط اسفبار حاکم بر اغلب دولتهای کشورهای مسلمان، باید با کمک پایگاههای سنتی و NGO ها، وحدت و همدلی در میان ملت‌های اسلامی گسترش یابد و از ترویج هر نوع فکر و رفتار تنش‌زا و اختلاف‌آفرین جلوگیری شود. البته تلاشهای جمهوری اسلامی در این مسیر تا حد بسیار زیادی موفقیت‌آمیز بوده‌اند اما در شرایط فعلی احساس می‌شود این تلاشها تا حدودی کاهش یافته است.

در شرایط فعلی حتی دموکراسی ناقص نیز چنانچه در برخی کشورهای مسلمان گرفتار دیکتاتوری تحقق یابد در حد خود مناسب خواهد بود. اما مدل مترقی معرفی‌شده از سوی انقلاب اسلامی، یعنی مردم‌سالاری دینی، در حال حاضر بهترین الگو برای انطباق نسبی یک دولت با جهان‌بینی اسلامی است

جهان اسلام نیازمند توسعه وحدت و همدلی است و این وحدت نباید فقط یک امر سیاسی و بین‌دولی ملاحظه شود، بلکه با توجه به شرایط اسفبار حاکم بر اغلب دولتهای کشورهای مسلمان، باید با کمک پایگاههای سنتی و NGO ها، وحدت و همدلی در میان ملت‌های اسلامی گسترش یابد و از ترویج هر نوع فکر و رفتار تنش‌زا و اختلاف‌آفرین جلوگیری شود

۲. معارف اسلامی باید متناسب با مقتضیات و نیازهای روز احیا و ساماندهی شوند و این امر، بدون شکل‌گیری یک حرکت همدلانه در میان علمای جهان اسلام امکان‌پذیر نخواهد بود. البته در داخل ایران متأسفانه هنوز ظرفیت لازم برای این همکاری بین‌مذهبی وجود ندارد و لذا احتمالاً باید رهبری این حرکت، به خارج از ایران منتقل شود. البته برای ثمربخش کردن چنین حرکتی، وجود یک متدولوژی پیشرفته و جامع اجتناب‌ناپذیر است. این اقدام، مسلماً به تضعیف موقعیت گروه‌های متحجر و افراطی در جهان اسلام خواهد انجامید.

۳. باید زمینه لازم برای شکل‌گیری یک جنبش فراگیر و هماهنگ علمی میان دانشمندان جهان اسلام ایجاد گردد؛ چراکه جهان اسلام برای به‌دست‌گیری ابتکار عمل و بازیگری در صحنه جهانی، همچون گذشته به تقویت علمی نیاز دارد. با توجه به تأکید فوق‌العاده دین اسلام بر گسترش علم و نیز وجود استعدادهای درخشان در جوامع مسلمان، ضروری است هرچه سریع‌تر امکانات جهان اسلام برای یک جهش علمی سازماندهی و مدیریت شود، به‌ویژه با توجه به این مسأله که امروزه علم مستقیماً قدرت را شده است، توجه به این مهم باید بسیار جدی تلقی شود.

۴. بیداری اسلامی، باید گسترش یابد. هر قدر بیداری بیشتر باشد، قدرت مسلمانان برای مواجهه با تهدیدها بیشتر خواهد شد. گسترش بیداری اسلامی، مستلزم یک فعالیت مبتکرانه رسانه‌ای است که متأسفانه جهان اسلام تاکنون فاقد آن بوده است. مسلمانان باید به مدد تکنولوژی مدرن (شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و...) و نیز رونق بخشیدن به ترجمه و افزایش تماس‌های حضوری، به‌ویژه در سطح خواص و اندیشمندان، ابعاد این بیداری اسلامی را گسترش دهند. متأسفانه در این زمینه نیز تلاش‌های جمهوری اسلامی تا حد زیادی کاهش یافته و از جذابیت، نوآوری و نیز گستره سابق برخوردار نیست.

۵. ظرفیتهای اقتصادی و سیاسی جهان اسلام، باید با هدف رفع تهدیدها مدیریت شوند. همانطور که پیش از این نیز گفته شد، جهان اسلام از ظرفیتهای کم‌نظیری برخوردار است اما از آنها به‌صورت هماهنگ جهت مواجهه با دشمن یا رقیب استفاده نمی‌شود؛ در حالی که مسلمانان تنها با مدیریت مناسب قدرت نفتی یا موقعیت جغرافیایی استراتژیکشان می‌توانند از انفعال خارج شوند؛ اما متأسفانه دولتهای فاسد و مروج، حاضر به چنین اقداماتی نیستند. البته اگر ملت‌ها بخواهند، دولتها مجبور به اطاعت از اراده ملی مردم مسلمان خواهند بود و لذا گسترش بیداری اسلامی در این عرصه نیز راهگشا است.

مسأله مهم در این زمینه رهبری جهان اسلام است. طی کردن تامل این راه‌ها، محتاج رهبری است. سازمان کنفرانس اسلامی که می‌تواند به‌عنوان مهمترین مرجع در این زمینه عمل کند، متأسفانه اسیر دولتها است و هم‌اکنون به سازمانی تبدیل شده است که حتی از جایگاه اولیه خود ساقط شده و بود و نبود آن چندان تفاوتی ندارد و مجامع دیگری هم که می‌توانند موثر باشند، متأسفانه فراگیری لازم را در میان کشورهای مسلمان ندارند. از این رو به‌منظر می‌رسد جهان اسلام در کنار بازسازی سازمان کنفرانس اسلامی، بیش‌ازهرچیز به یک رهبر

معنوی بزرگ مانند امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری نیازمند است که بتواند با نفوذ در قلبهای آحاد مسلمانان، جهان اسلام را با قدرت معنوی و با اتکا به پشتوانه مردمی، به سمت اهداف اصلی پیش ببرد.

به‌لحاظ سازمانی، علاوه بر یک سازمان بین‌المللی که دولتهای اسلامی را به‌گونه‌ای متحد دور هم جمع کند، مسلمانان به سازمان دیگری نیز نیاز دارند که وابسته به دولتها نباشد و بتواند برخی امور مهم، از قبیل احیا و ساماندهی معارف دینی، فراهم‌سازی زمینه شکل‌گیری جنبش تولید علمی، ایجاد رسانه‌های زنجیره‌ای و نیز گسترش وحدت، همدلی و همکاری میان امت اسلامی را قدرتمندانه تئوریزه، برنامه‌ریزی و اجرا کند.

نقش جمهوری اسلامی در ارتقای جهان اسلام

جمهوری اسلامی به‌راستی ام‌القرای جهان اسلام است. هیچ کشوری در موقعیت کنونی، از قدرت این کشور برای رسیدگی به وضع جهان اسلام برخوردار نیست. پس از انقلاب، ارتقای جهان اسلام به عنوان یک هدف انقلابی مطرح گردید و بهای فزاینده‌ای هم برای آن پرداخت شد. قاطعانه می‌توان ادعا کرد جمهوری اسلامی در حال حاضر نیز تاحدزیادی از شأن رهبری جهان اسلام برخوردار است؛ اما باید چند تغییر با اقدام اساسی رخ دهند تا زمینه پیگیری این امر در عمل نیز کاملاً فراهم گردد:

۱. دستگاه فرهنگی، بین‌المللی، دیگر از آن کارایی لازم برخوردار نیست و باید از سوی عنصر خلاق و جوان بازسازی شود. بدون تردید اگر هزینه‌کرد فعلی انقلاب در این عرصه با نتیجه مورد انتظار مقایسه شود، استمرار وضع حاضر، منطقی نیست. ۲. وزارت خارجه باید وزارت خارجه انقلاب اسلامی باشد؛ به‌این معنا که این وزارتخانه باید با خروج از محافظه‌کاری، منافع جمهوری اسلامی را در مسیر منافع امت اسلامی تعریف کند و حرکت خود را به‌صورت هدفمند به سوی تحقق یک جهان اسلام قابل قبول تنظیم نماید.

۳. رسانه‌های کشور، اعم از خصوصی و دولتی، باید با اتخاذ یک نگاه فراختر، به مسائل جهانی نگاه کنند. البته نمی‌توان انکار کرد هم‌اکنون جمهوری اسلامی ایران چه از جهت سخت‌افزار و چه نرم‌افزار، از قدرت رسانه‌ای حرفه‌ای قابل توجهی برخوردار نیست اما سیستم موجود قادر است و باید خود را به این نقطه برساند. البته بعضی اقدامات و هزینه‌هایی در این راستا صورت گرفته است اما به جهت ضعف محتوا و شکل و فقدان نوآوری، هنوز این تلاش‌ها به نقطه مطلوبی نرسیده‌اند؛ مثلاً در حال حاضر برخی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ماهواره‌ای وابسته به ایران فعالیت می‌کنند اما از جذابیت لازم برخوردار نیستند؛ علاوه بر این جای چند خبرگزاری و روزنامه قدرتمند بین‌المللی که در همکاری با موسسات اسلامی خارج از کشور بتوانند اخبار جهان اسلام را مدیریت کنند و با رسانه‌های بزرگ غربی به رقابت بپردازند، خالی است.

۴. نخبگان علمی ایران باید از یک سو محصولات علمی خود را با بهره‌گیری از زبان بین‌المللی به فراتر از مرزها منتقل نمایند و از سوی دیگر گوشه‌های خود را برای شنیدن از بیرون، بیشتر باز کنند. هم‌اکنون برای این امر به

یک نهضت ترجمه جدید نیاز داریم تا از طریق آن این بار آثار برگزیده ایرانی به چند زبان ترجمه و منتشر شوند و نیز آثار خوب مسلمانان شناسایی و به زبان فارسی ترجمه گردند. بدون شک اندیشه و علم بدون تعاطی و تضارب افکار، می‌میرد و از رشد و بالندگی بازمی‌ماند.

منافع ملی و جهان اسلام

در ارتباط با پیوند عمیق میان منافع ملی ما و مسائل جهان اسلام، توجه به چند مسأله بسیار ضروری است:

۱- رسیدگی به امور جهان اسلام، از آرمانهای اصلی انقلاب اسلامی و در نتیجه امری اجتناب‌ناپذیر است.^۱

۲- بی‌تفاوتی به امور مسلمانان و به‌ویژه رنجهای آنها، شرعاً مجاز نیست.

۳- سرمایه‌گذاری در این عرصه، پتانسیل امنیتی ما را به‌شدت بالا خواهد برد و مطمئناً در درازمدت منافع ملی ما را تأمین خواهد کرد؛ البته در صورتی که هزینه‌ها هوشیارانه انجام پذیرند، و گر نه با هزینه‌های بی‌هدف، طبعاً نفعی حاصل نخواهد شد و ایران را صرفاً به صندوق اعلانی تبدیل خواهد کرد که تا وقتی پول خرج می‌کند، برای آن احترام و ارزش قائل خواهند شد. در واقع طرز رفتار و عملکرد ما، واکنش‌ها نسبت به ما را تعیین می‌کند و اگر به‌این مسأله واقف نباشیم، چه‌بسا هم متقبل هزینه شویم و هم بی‌مهریها و حتی دشمنیها را به سوی خود معطوف سازیم؛ لذا بایسته است کشور ما با وقوف به جایگاه معنوی و تأثیر حمایت معنوی خود، بیشتر با این جهت‌گیری به پشتیبانی از گروه‌های اسلامی بپردازد؛ چراکه هم تأثیر آن قوی‌تر است و هم احتمال زیان در این نحوه حمایت بسیار کمتر خواهد بود. ■

پی‌نوشت‌ها

- * سردبیر اسبق ماهنامه زمانه - پژوهشگر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۱. امام خمینی(ره)، صحیفه حج، ج ۱، نشر شعر، ص ۶۵ و ۱۱۳
- ۲. برای نمونه علیرغم امتیازات خاص تشیع در ارتقای بخشی به موقعیت جهان اسلام، برخی شیعیان متأسفانه به‌طور آشکار و پنهان به اصول وحدت‌بخش اسلامی بی‌توجهند و با بافتاری در خصوص پاره‌های مسائل حاشیه‌ای، به برخی تنش‌ها و سوءتفاهمات دامن می‌زنند
- ۳. رک: جان‌هیک، ترجمه: دکتر عبدالرحیم گواهی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۴. رک: فصلنامه کتاب نقد شماره ۴، پاییز ۱۳۷۶، ویژه‌نامه پلورالیسم دینی
- ۵. رک: موسی نجفی، ساخت معنوی هویت ملی ایرانیان، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۴
- ۶. سیدحسین نصر، ترجمه: حسن میان‌داری، نیاز به علم مقدس، انتشارات طه، ص ۲۳۰

7 - David Ray Griffin, The New Pearl Harbor, Oliver Branch Press. 4002

- ۸. پروژه ملی جهانی شدن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، در دست انتشار و رضا غلامی، «ایران و جهانی‌شدن»، ماهنامه زمانه سال سوم، ش ۲۹، بهمن ۱۳۸۲
- ۹. علی ابوالحسنی منذر، «تداوم جنگ‌های صلیبی...»، ماهنامه ایران معاصر، سال اول، شماره ۱، اردیبهشت ۱۳۸۱
- ۱۰. امام خمینی(ره) (۶۷/۴/۲۹): «ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است.» همچنین مورخ ۶۷/۲/۲۹: «من به‌صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی ایران با تمام وجود برای احیاء هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند.»